

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف*(VALENTIN KATASONOV)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۵ اپریل ۲۰۲۰

کروناویروس نه در چین، که در ذهن صاحبان پول زاده شد

تأیید مستند عملیات تروریستی "کووید-۱۹"

به نظر می رسد، در رابطه با کروناویروس یافتن پاسخ به این سوال که چه کسی آن را ایجاد کرد و رها ساخت، ممکن نیست. اما، جویندگان پاسخ، نمی بینند، که آن در معرض دید قرار دارد. من هم می خواهم تأکید کنم، که درست در بهترین جا، در اینترنت، در معرض دید قرار دارد. این سند به ده سال پیش مربوط است: "سناریوها برای فناوری آینده و توسعه بین المللی. بنیاد راکفلر، شبکه جهانی تجارت. ماه مه سال ۲۰۱۰".

به گمانم، نخستین کسی که این سند را کشف کرد، ویلیام انگدال، مخالف سرشناس جهانی سازی، اقتصاددان و دانشمند سیاسی امریکائی، دکتر علوم سیاسی دانشگاه پرینستون بود. ۱۰ مارچ مقاله "گامهای بسته، این سناریو آینده نگرانه نیست: وحشت و آینده پسابیماری و آگیر؟" (۱) را منتشر کرد.

انگدال به طرز جنجالی بیان می کند: سناریوی "وحشت همه گیر" که امروز در مقابل چشمان ما به روی صحنه آمده، ده سال پیش (!) تهیه شده است.

این سند از درون دو مؤسسه بیرون آمد: بنیاد راکفلر و شبکه جهانی تجارت. اکثریت اسناد بنیاد راکفلر به این یا آن نحو به سمت حل مسائلی مانند بهینه سازی مالیات قبیله راکفلر (بنیادهای خیریه از پرداخت مالیات معاف هستند)، کنترل بر زاد و ولد، کاهش جمعیت جهان، صنعت زدائی (زیر پرچم گذار به جامعه پسا صنعتی) و غیره معطوف شده است. مجموعه این کارها توسط باشگاه رم (۲) تعیین می شود. باشگاه رم در سال ۱۹۶۸ توسط دیوید راکفلر تأسیس گردید و قرار بود صاحبان پول را به هدف خود، یعنی به آقائی جهان برساند (ایده دولت جهانی).

در مورد شبکه جهانی تجارت لازم به ذکر است که آن را پیتر شوارتس، یکی از معتبرترین آینده شناسان امریکا تأسیس کرد. شوارتس با پنتاگون همکاری می کرد و در سال ۲۰۰۴ در مورد تغییرات اقلیمی جهان برای ارتش امریکا گزارش تهیه کرد.

ایده اصلی سند را که باعث جلب توجه ویلیام انگدال به خود گردید، به طور خلاصه توضیح می دهم: در این سند چهار سناریو برای توسعه جهان پس از بحران مالی و اقتصادی سرمایه داری سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۹ تدوین شده است. اولین

آنها به طور کامل منطبق است با آنچه که امروز ما مشاهده می کنیم. در گزارش، این سناریو "گامهای بسته" نامیده شده است. با این حساب، سه سناریوی دیگر لایق توجه نیستند.

اینک بریده هائی از گزارش: "در سال ۲۰۱۲ بزرگترین بیماری واگیر که طی سالهای زیادی جهان در انتظارش بود، شایع شد. خلاف "H1N1" [شیوع ویروس آنفلوآنزای خوکی در سال ۲۰۰۹]، معلوم شد این نوع جدید آنفلوآنزا که به واسطهٔ گازهای وحشی شایع شده، بسیار خطرناک است. حتی برخی از کشورها که برای مقابله با این بیماری تدارک دیده بودند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند و در مقیاس جهانی، این ویروس در حدود ۲۰٪ جمعیت را آلوده کرد. ۸ میلیون نفر در ۷ ماه نخست پس از شیوع آنفلوآنزای جدید فوت کرد. و اکثریت درگذشتگان جوانان سالم بودند..."

ابتداء در مورد عدم تطابقها :

اول - بیماری واگیر با ۸ سال تأخیر شایع شد؛

دوم - تصمیم گرفتند آن را نه به نام گازهای وحشی، که به نام خفاشها بنویسند؛

سوم - کووید -۱۹ در وهلهٔ اول جوانان سالم را نمی کشد، بلکه افراد سالمند و ضعیف را می کشد.

گزارش پس از انتشار در سال ۲۰۱۰ احتمالاً نهائی شد. ظاهراً تصمیم گرفته شد، که جوانان و افراد سالم می توانند هنوز به عنوان نیروی کار ارزان و با توانائی تولیدی بالا مفید واقع شوند. ولی، در وهلهٔ نخست باید از "تعداد کننده ها"، یعنی از افراد ضعیف، بیمار، پیر و سالخورده خلاص شد. این، نسخهٔ امروزی مالتوسیانیسم سیاسی پنهان است، که سعی می کند به هر قیمتی جمعیت جهان را به یک میلیارد نفر کاهش دهد.

در مورد شاخصهای کمیته مندرج در گزارش (درصد مبتلایان و تعداد قطعی متوفیان) باید تا آخر ماه جولای منتظر باشیم (اگر همه گیری را از ابتدای سال حساب کنیم). ضمناً، دونالد ترمپ نیز چنین می گوید (به خصوص با اطمینان کامل): واگیری در ماه جولای - اگست پایان خواهد یافت. با گذشت هفت ماه نیز می توانیم "جوجه ها را بشماریم". برخی از متخصصان سازمان بهداشت جهانی پیشبینی می کردند که کووید -۱۹ می تواند دو سوم جمعیت جهان را آلوده نماید. صدر اعظم المان، آنگلا مرکل تصریح کرد، که کروناویروس ۷۰٪ جمعیت المان را آلوده خواهد کرد. به گمانم، این خانم به همان جدول برنامه های عملیات مخفی استناد می کند که ترمپ کرد.

در گزارش از اثرگذاری ویروس به تمامی جوانب زندگی اجتماعی گفته می شود. از جمله، در زمینهٔ اقتصادی: "ویروس تأثیر مهلکی بر اقتصاد گذاشت: جابه جائی جهانی انسانها و کالاها متوقف شد، که به تضعیف عرصه هائی مانند جهانگردی، شکستن زنجیرهٔ جهانی تدارکات انجامید. حتی محلهای معمولاً شلوغ که ساختمان مغازه ها و ادارات پر رفت و آمد در آنها واقع است، ماه ها خالی، بدون کارکنان و مشتریان ماندند."

در ادامه گفته می شود، دولتهای خواب آلود بیدار می شوند و به مقابلهٔ فعال با بیماری واگیر دست می زنند و این را با تمام خشونت و نقض تصورات معمول از دموکراسی و حقوق بشر انجام خواهند داد: "هنگام شیوع بیماری واگیر رهبران ملی در سراسر جهان اقتدار خود را تقویت کردند و مقررات و محدودیتهای سخت و سخت -از پوشیدن اجباری ماسک به صورت تا سنجش تب در ورودیهای اماکن عمومی از قبیل پایانه های مسافری و فروشگاهها برقرار نمودند. این کنترل و نظارت بر شهروندان و فعالیت آنها حتی بعد از توقف واگیری ادامه خواهد یافت و تقویت خواهد شد. رهبران همهٔ کشورها برای محافظت از خود در مقابل گسترش مشکلات جهانی، از بیماری واگیر و تروریسم فراموشی گرفته تا بحرانهای زیست محیطی و فقر در حال تزايد، سختگیرتر شدند."

در این توضیحات ۱۰ سال قبل، آنچه را که امروز در همهٔ کشورها بدون استثناء روی می دهد، ما می بینیم:

اول - اعمال نظارت گسترده در برخی کشورها (مثل امریکا) با اعلام ظاهری وضعیت اضطراری همراه بود و در برخی کشورها بدون این تمهیدات دوم - ممکن است به نظر برسد، که این بیماری واگیر طی چند ماه آینده به پایان می رسد و همه چیز به حالت سابق باز می گردد. از این سند چنین استنباط می شود، که زندگی به وضع سابق برخواهد گشت. اعلام خواهد شد، که جهان در معرض خطرات دهشتناک قرار دارد (تغییرات اقلیمی، تروریسم بین المللی، شیوع ویروس، آلودگی محیط زیست...) به این دلایل، دموکراسی، آزادی، حقوق بشر که ده ها سال تبلیغ می کردند، باید فراموش شود، سطح زندگی سابق فراموش شود. امنیت قربانی می طلبد.

در گزارش بنیاد راکفلر و شبکه جهانی تجارت تصریح شده، که چین در خط مقدم مقابله با بیماری واگیر قرار دارد: "با دستور عملیاتی و قرنطینه اجباری همه شهروندان، و همچنین با بستن فوری و بسیار محکم همه مرزها باعث نجات میلیونها انسان گردید، گسترش ویروس را خیلی پیش از سایر کشورها متوقف نمود و پس از مهار ویروس بسیار سریع بازسازی کرد".

انطباق کامل با آنچه ما می بینیم!

چین اعلام کرد، که ویروس مهار شده، قرنطینه به تدریج لغو می شود و زندگی اقتصادی تا اواسط سال به طور کامل بهبود می یابد. ملل متحد، سازمان بهداشت جهانی و سایر سازمانهای بین المللی مطالعه تجربه چین را به دولتهای سایر کشورها توصیه می کنند و در این تجربه، بر روی نظم و انضباط سختگیرانه، اقتدار محکم و مسؤولیت همگانی تأکید می نمایند. آنها به طور ضمنی بر این موضوع نیز اشاره می کنند، که این "لانه مورچه چینی" تحت رهبری حزب کمونیست چین، پایدارترین الگو در شرایط دشواری های جهانی است. امروز دیگر آن تصور در باره "الگوی ایدئال" دولت، همانطور که ما در رمان جرج اورول "۱۹۸۴" می بینیم، به شکل وسیع از بالا مستقر می شود. آلدوس هاکسلی چنین جامع های را "دنیای شگفت انگیز جدید" نامید.

در "دنیای شگفت انگیز جدید" نه فقط دموکراسی و حقوق بشر، حتی تصور رایج در باره "اقتصاد بازاری" نیز باید به فراموشی سپرده شود. کنترل شدید نه تنها بر مردم، بر روی مؤسسات نیز اعمال خواهد شد: "این کنترل سختگیرانه در کشورهای توسعه یافته به اشکال مختلف برقرار خواهد شد: مثلاً، شناسه های تشخیص هویت برای همه شهروندان و تنظیم سختگیرانه بخشهای کلیدی صنایع و حتی ثبات، که از منظر منافع ملی حیاتی شمرده می شود. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته همکاری اجباری با مجموعه ای از قوانین جدید و موافقت آرام، اما پیوسته، هم نظم را برقرار خواهد کرد و هم، آنچه را که برای رشد اقتصادی لازم است".

نویسندگان گزارش که در باره آنها توضیح دادم، معتقدند حاکمیتها مشکل خاصی نخواهند داشت: "ابتداء مفهوم دنیای قابل مدیریت مورد استقبال و تأیید قرار خواهد گرفت. شهروندان با کمال میل بخشی از اختیارات خود را و زندگی شخصی خود را به ازای امنیت و ثبات بزرگ به دولتهای پدسالارانه تر واگذار خواهند نمودند". بعید نیست، که چنین اعتماد به خود نویسندگان گزارش از برآورد تجربه مقابله ایالات متحده امریکا با "تروریسم بین المللی" ناشی می شود. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در امریکا قانون میهن پرستی، که امریکائیه را از بسیاری از حقوق و آزادی خود محروم می کرد، تصویب شد و شهروندان آن را با همدلی "قبول" کردند.

به هر صورت، زمان چندی می گذرد و کنترل سختگیرانه برادر بزرگ جان شهروندان را به لب می رساند. مردم دو باره خواهان حقوق، آزادی و رفاه می شوند. نویسندگان گزارش هشدار می دهند، که گذار به الگوی جدیدی از جامعه به تحمل سنگینی بار اضافی، هم به وسیله پائینی ها و هم به وسیله بالائینها نیاز دارد. خود محتوای سناریوی "همگامی"

(- *LOCK STEP* "گامهای بسته" هم می توان معنی کرد) به این موضوع اشاره دارد. پیشروی به سمت الگوی جدید، بنا به تعبیر گزارش به معنای "کنترل سختگیرانه تر دولتی از بالا به پایین و رهبری اقتدارگرایانه تر، با نوآوری محدود و رشد مخالفت شهروندان می باشد".

در پایان لازم به ذکر می دانم که گزارش و سناریوی (*LOCK STEP*) زمانی ظهور یافتند، که هنوز گرد و غبار ناشی از بحران مالی -اقتصادی سالهای ۲۰۰۷- ۲۰۰۹ فرونشسته است. صاحبان پول فهمیدند، که سرمایه داری جهانی بعد از این تاب تحمل یک همچو بحران جدید را نخواهد داشت. بنا بر این، لازم دیدند به بازسازی اجباری ساختار جهان بر مبنای الگوی پساسرمایه داری دست بزنند. این **نمایشنامه سنگین و مخاطره آمیز گذار به نظام برده داری جدید، اما نجاتبخش برای صاحبان پول، بدین منوال به روی صحنه آمد.** تدارک برای شروع چنین گذار طول کشید، اما در پایان سال گذشته علائمی حاکی از شروع عنقریب بحران جدید مالی و اقتصادی مشاهده شد. طول دادن غیر ممکن بود. و از نخستین روزهای سال ۲۰۲۰ عملیات "گامهای بسته" (همان کووید -۱۹) شروع شد.
منبع:

<https://www.fondsk.ru/news/2020/03/21/koronavirus-rodilsja-ne-v-kitae-a-v-soznanii-besnovatyh-hozjaev-deneg-50408.html>

*- پروفیسور، دکتر علم اقتصاد، مدیر مرکز مطالعات اقتصادی "شاراپوف" روسیه، مشاور اقتصادی اسبق دبیر کل ملل متحد، پژوهشگر مسائل پشت صحنه